

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما
Tel: 0046720077654

ایسکرا ۶۶۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت
www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۹ اسفند ۱۳۹۱، ۲۷ فوریه ۲۰۱۳

سرمدییر عبدل کپریان

انقلاب سوریه ریشه در خیزش توده ای دارد



برای نمونه مصاحبه وسیعاً پخش شده طارق علی را در نظر بگیرید. آنجا او ادعا می کند کشمکش در سوریه بخشی از "پروژه جدید استعمار مجدد" است. گرچه من به طارق علی علاقه و احترامی فراوان قائلم اما به نظرم این نظر پوچی است.
صفحه ۴

آلکس کالینیکوس
ترجمه: ناصر اصغری

در چند روز گذشته شاید توازن قوا بطور قاطعانه ای به ضرر بشار اسد و حکومتش تغییر کرده باشد. در عین حال بنظر می رسد که بخش مهمی از چپ غربی قاطعانه به حمایت از او برخاسته است.

جمهوری اسلامی دشمن شکل کارگران!



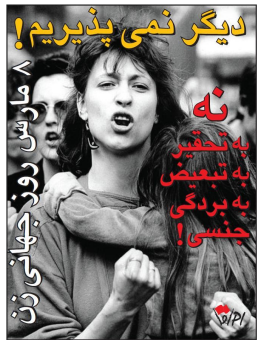
نسان نودینیان

ساعدنپناه و مظفر صالح نیا، و سه نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، محمد مولایی، یوسف آب خرابات و واحد سبیده به استعفا نه تهدیدات تازه ای است و نه برای اولین بار است که از زبان کشیف مزدوران دادگاه های جمهوری اسلامی بیان میشود. یک مساله و عرصه رو در رویی جمهوری اسلامی و نهاد و سازمانهای اطلاعات و سپاه پاسداران مقابله و ایجاد سدهای امنیتی در مقابل فعالین کارگری و تشکلهای آنها است.

اظهارات سخیف قاضی دادگاه های شعبه یک در سنجند و مهباد علیه اتحادیه آزاد کارکنان ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری تهدید دو نفر از اعضای اتحادیه آزاد کارگران، شریف

صفحه ۲

عروج جنبش نوین آزادی زن پنج قاره جهان علیه تبعیض و بردگی جنسی پیامیخیزد! بیانیه به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۳



یمن و شیلی به میدان آمده و در راس اعتراضات وسیع برای "عدالت اجتماعی" و علیه یک درصدی ها" قرار گرفتند. استقبال میلیونی از اعتراض عریان "علیا المهدی" علیه حجاب و اسلام سیاسی که میکوشد انقلابات "نان و کرامت" را "ملاخور" کند، غرش رعد در آسمان بی ابر نبود. قبل از آن

اکنون دیگر تردیدی نیست که جنبشی نوین، بدیع و رادیکال برای آزادی زن جهان را در مینوردد: از هند و بنگلادش تا مصر و ایران، از آمریکا و روسیه تا کنگو و استرالیا... اتفاقی نبود که "ندا آقا سلطان" سمبل انقلاب ۸۸ مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و قهرمان جهانیان شد. دیدیم که زنان جوانی چون او در تونس و اسرائیل و

صفحه ۲

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دو فعال کارگری سنجند محاکمه شدند



سنجد برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند. وکیل این کارگران آقای محمد قوامی نیز در دادگاه حضور داشت. قاضی دادگاه با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را ملزم به استعفا از اتحادیه بنماید و به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره

این دو فعال کارگری از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران هستند.

قاضی دادگاه اعلام کرد این اتحادیه را ویران خواهیم کرد.

بنا خبر منتشره از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره این اتحادیه صبح روز ۵ اسفند در شعبه یک دادگاه انقلاب

صفحه ۳

بستگان آنها نگفته اند که فرزندانشان در کدام زندان یا بازداشتگاه بسر میبرند. تنها چیزی که مقامات دولتی و امنیتی رژیم به بستگان این دونفر گفته اند این است که دنبال آنها نگردید بی فایده است.
صفحه ۲

جمهوری اسلامی دو نفر به اسامی قانع رضایی و هشیار نجاری را ربوده است

ربوده شده و بعد از یک هفته هنوز هیچ اطلاعی از محل بازداشت و یا زندان آنها در دست نیست. نیروهای امنیتی تا کنون به خانواده و

قانع رضایی و هشیار نجاری اهل روستای آویهنگ در نزدیک سنجد هستند. این دو نفر بوسیله نیروهای امنیتی رژیم اسلامی

سلام بر همه مردم، سلام بر کارگران / نیما ابراهیم زاده

جنبش اول ماه مه در کردستان / نسان نودینیان / بخش دوازدهم

سه فعال کارگری در مهباد محاکمه شدند

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ جمهوری اسلامی دشمن شکل ...



چرا جمهوری اسلامی در دادگاه هایش فعالین کارگری را تهدید به زندانی و در واقع گروگان گرفتن آنها میکند! واضح و روشن است. این نظام ضد کارگر و ضد تشکل پذیری کارگران است. تشکل و اتحاد کارگران بخش رادیکالیسم اعتراضی جامعه را نمایندگی میکند. این رادیکالیسم در اعتراض به فقر و فلاکت، در دفاع از حقوق کارگران و مطالباتشان، در دفاع از حقوق برابری زنان و در دفاع از حقوق کودکان افق عدالتخواهانه جامعه را نمایندگی میکند. تعیین بخشی فعالین جنبش کارگری و سخنگویان این جنبش در سطح داخلی و سراسری، اعتبار و اتوریته و حمایت‌های هزاران کارگر در مراکز تولیدی در کارخانه و محل کار از کارگران فعال و حمایت و پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدافع کارگران در خارج از کشور به نقطه امید و نقطه قدرت جنبش کارگری تبدیل شده است. این دستاوردها که نتیجه سالها مبارزات کارگران برای تحمیل مطالباتشان و حق آزادی تشکل و بیان است، با این اظهارات سخیف و دفاعی قاضی مزدور دادگاه سنج، و مهاباد قابل برگشت نیست.

جمهوری اسلامی میدانند و آگاه است که کارگران دستگیر شده مورد توجه افکار عمومی در داخل کشور و خارج کشور هستند، آگاه و مطلع است که کارگران دستگیر شده در زندانها از طریق اطلاعیه‌هایشان در ارتباط دائم و رادیکالی با بیرون از زندان هستند، میدانند که در خارج از کشور توسط اتحادیه‌های کارگری و احزاب و سازمانهای مدافع حقوق کارگران موج حمایتها و پشتیبانی از آنها در ایران هر روز بیشتر و بیشتر میشود.

تازه ترین مورد، نشست هیئتی از کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران، با اتحادیه سراسری کارگران سوئد است. در این نشست و هیئت ملاقات کننده بر خواست

حمایت از کارگران و خانواده های کارگری و اساسا در همبستگی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری تقاضا شده بود . جمهوری اسلامی در منگنه فشار ابراز وجود رادیکال کارگران در عرصه تولید و محیط های کار، در سازماندهی اعتصاب و راه پیمایی و اعتراضات روزمره قرار گرفته است. اعتراض حق طلبی و عدالتخواهانه کارگران به یک فاکتور مهم در جامعه در مقابل کل نظام هم اکنون وجود و با ابراز و سازماندهی های نارضایتی کارگران در مقابل مجلس بشکل علنی به نمایش درمیآید.

مساله مهم و هشدار دهنده این است که فعالین جنبش کارگری برای مقابله با تهدید و نقشه های شوم جمهوری اسلامی با هوشیاری بالایی سدهای مقابله با این تهدیدات را محکم تر ببندند. بر اتحاد و همبستگی کارگران، بر ابراز وجود هر چه بیشتر رهبران و سخنگویان و فعالین جنبش کارگری در اعتراضات روزمره بیفزایند، در سازماندهی اعتراضات کارگران در اشکال اعتصاب و راه پیمایی بیفزایند.

از صفحه ۱

عروج جنبش نوین آزادی زن ...

جنش "سینه لزان" به فراخوان یک دختر آمریکایی در اعتراض به ترهات آیت الله های تهران، بسیاری شهرهای جهان را لرزاند. فریادهای آن زن لیبیایی علیه تجاوز مکرر اوباش قذافی که با جسارت خود را به یک کنفرانس خبری رسانده بود، فقط ضجه هایی جگرخراش نبود. بعدتر دیدیم که چطور جهانی از خشم و اعتراض علیه تجاوز و قتل "دختر هند" - همچنین افتضاح مقامات اوهایو آمریکا در سرپوش گذاشتن بر تجاوز جمعی - برآشفته که تاریخ نظیر آنرا ندیده است. اعتراضات رادیکال "گروه فم" علیه اسلام، پاپ، اجلاس داووس و جهان بردگی جنسی متکی بر سرمایه داری، و یا درافتادن قهرمانانه گروه "پوسی رایت" با مافیای پوتین و کلیسا، وقایعی منحصر بفر نبود. دیدیم در آن سر دنیا، در خانه امن طالبان، "ملالی" ۱۵ ساله و حمایت و همبستگی جهانی با این قهرمان جوان ما چگونه در دل وحشی ترین و خونخوارترین نیروهای زیننه سالار دنیا لرزه در انداخت... و بالاخره فراخوان "مارش یک میلیارد نفر" در روز والتاین امسال که دهها میلیون نفر را در هر پنج قاره علیه تبعیض جنسی به رقص و اعتراض آورد بطور قطع اعلام کرد که انقلابی زنانه با اشکال و آراء متنوع ذاتی یک حرکت عظیم اجتماعی، در سراسر جهان در غلیبان است.

جنش "سینه لزان" به فراخوان یک دختر آمریکایی در اعتراض به ترهات آیت الله های تهران، بسیاری شهرهای جهان را لرزاند. فریادهای آن زن لیبیایی علیه تجاوز مکرر اوباش قذافی که با جسارت خود را به یک کنفرانس خبری رسانده بود، فقط ضجه هایی جگرخراش نبود. بعدتر دیدیم که چطور جهانی از خشم و اعتراض علیه تجاوز و قتل "دختر هند" - همچنین افتضاح مقامات اوهایو آمریکا در سرپوش گذاشتن بر تجاوز جمعی - برآشفته که تاریخ نظیر آنرا ندیده است. اعتراضات رادیکال "گروه فم" علیه اسلام، پاپ، اجلاس داووس و جهان بردگی جنسی متکی بر سرمایه داری، و یا درافتادن قهرمانانه گروه "پوسی رایت" با مافیای پوتین و کلیسا، وقایعی منحصر بفر نبود. دیدیم در آن سر دنیا، در خانه امن طالبان، "ملالی" ۱۵ ساله و حمایت و همبستگی جهانی با این قهرمان جوان ما چگونه در دل وحشی ترین و خونخوارترین نیروهای زیننه سالار دنیا لرزه در انداخت... و بالاخره فراخوان "مارش یک میلیارد نفر" در روز والتاین امسال که دهها میلیون نفر را در هر پنج قاره علیه تبعیض جنسی به رقص و اعتراض آورد بطور قطع اعلام کرد که انقلابی زنانه با اشکال و آراء متنوع ذاتی یک حرکت عظیم اجتماعی، در سراسر جهان در غلیبان است.

نیروی محرکه این جنبش نوین آزادی زن نسل "تویتر" و "فیسبوک" است که در انقلابات شمال آفریقا و خاورمیانه و جنبش های ضد سرمایه داری غرب بپاخاسته است. این جنبشی است که ضمن توجه به خواسته های مشخص، اما آشکارا نفس بردگی و تبعیض جنسی را هدف قرار داده است. این حرکتی محدود به زنان نیست بلکه مزوج در تلاش عمومی برای تغییر

در شرایط کنونی و به منظور مقابله جنی با احکام و فشار دادگاه های مهاباد و سنندج، در شکل کنکرت حمایت از کارگران زندانی و محکوم کردن احکام دادگاه های مهاباد و سنندج که علیه شریف

اوضاع و در واقع يك جبهه اصلی انقلابات قرن بیست و یکمی است. زنان بزرگترین قربانی رشد غول آسای سرمایه داری در سه- چهار دهه گذشته، دوره عروج راست نوین و "نظم نوین" و "جنگ تمدنها" (در واقع جنگ تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی) بوده اند. در همه جای دنیا زنان ارزان ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر در این بازار بردگی جهانی خرید و فروش نیروی کار را تشکیل میدهند. سرمایه داری مدرن فحشاء و تجارت سکس را به یک صنعت پرسود جهانی تبدیل کرده که دهها میلیون زن قربانیان مستقیم آند. حمله به حقوق زن، حجاب، آپارتاید جنسی، سنگسار، قتل های ناموسی و تجاوزهای سازمان یافته در جوامع و کشورهای اسلام زده و توسعه نیافته از یکسو، و توجیه این وضعیت زنان تحت لوای "پست مدرنیسم" و "نسبیت فرهنگی" در کشورهای غرب و توسعه یافته از سوی دیگر، دو روی سکه این دوره سیاه بوده است. انقلاب زنانه ای که اکنون جهان را فرا گرفته با همه سایه روشن ها بطور عینی علیه کل این وضعیت است. برای اولین بار در تاریخ بشر در مقطعی قرار گرفته ایم که نیروی عظیم و جهانی علیه نفس تبعیض و بردگی جنسی بپاخاسته است. بردگی جنسی که هزاران سال است بشر را در چنگال خود میفشرد و هم اکنون متکی بر بردگی مزدی تداوم می یابد و همچنان بیش از هر جنگ و هر بیماری قربانی میگیرد و تباهی و انحطاط می آفریند.

در ایران جنبش رهایی زن پیشقراول این حرکت جهانی بوده چرا که سرکار آوردن جمهوری اسلامی برای مقابله با انقلاب ۵۷ نمونه آزمایشگاهی آن افتضاحی بود که بعدا بر جهان سایه افکند. از تظاهرات پرشور زنان در هشت

ساعدنپناه و مظفر صالح نیا، محمد مولایی، یوسف آب خرابات و واحد سیده اعلام شده، در شکل طومار و گردهمایی در مقابل دادگاه های مهاباد و سنندج، با خواست کارگران زندانی فوری و بدون قید و شرط آزاد

شوند، پاسخ کوینده ای به اظهارات سخیف و بی قیمت قاضی دادگاه سنندج و مهاباد است.

این اعتراضات اقدامی عملی و در توان و قدرت کارگران میباشد.*

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اسفند ۱۳۹۱

۲۰ فوریه ۲۰۱۳

سلام بر همه مردم، سلام بر کارگران نیما ابراهیم زاده



من نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر زندانی در بند دوستدار کودکان بهنام ابراهیم زاده هستم، بیش از یک ماه است که در بیمارستان محک کودکان بستری شده ام، بیش از دو سال ونیم است که پدرم به جرم دفاع از ما کودکان و جامعه کارگری در زندان بسر می برد، اولین ملاقات و دیدار با پدرم بعد از ماهها انفرادی و محروم از ملاقات را هنوز یاد دارم دیدن آن لحظات دهشناک و پر از تشویش و نگرانی، هنگامیکه پدر را برای اولین بار بعد از ماهها از بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات به سالن ملاقات آوردند قلب من به شدت مجروح شد، حسرت اینکه پدر نمی تواند در کنار ما بماند و به ما نزدیک شود در آن لحظه دوست داشتم با تمام وجود پدرم را در اغوش بگیرم اما وجود شیشه های بیرنگ و بیروح که حتی به سختی می توانست پدر را در انسوی میله های زندان بینم اجازه این را به من نمی داد که پدر را با تمام وجودم در اغوش بگیرم، همیشه به خانواده ام به پدر و مادرم و پدر بزرگم افتخار کرده ام در نبود پدرم بزرگم و دوستان و رفقای پدرم همواره در کنار من و مامان بوده اند، تا به امروز ما را تنها نگذاشته اند این

ها به همراه فرزندان خود برای خرید راهی بازار شهر میشوند، من در بستر بیماری هستم، نمی توانم به همراه پدر و مادرم به خرید عید بروم و اصلا می توانیم عیدی داشته باشیم؟ آیا و سفری خواهیم داشت؟ سخت ناراحت می شوم. اما آن چه که توانسته است حتی در تلخ ترین لحظات زندگی خانواده مرا سرا پا نگه دارد این باور است که من عضو یک خانواده امتحان پس داده ام ما توانسته ایم در امتحانهای فراوان فایق ایم ما خوشبختیم که در دوره ای زندگی میکنیم که رفاه اجتماعی و حمایتهای انسانی نه فقط به عنوان یک امر مطلوب ویا ارزش بلکه به عنوان یک ضرورت مطرح هستند.

در پایان از تمامی کارکنان و دکترها، پرستاران بیمارستان محک که توجه زیادی به من و دیگر کودکان دارند و برای بهبودی ما از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند از دوستان و رفقای خوب پدرم و مردم عزیز کشورم در داخل و خارج که همواره در کنار ما بوده اند نگرانی عمیق خودشان را ابراز داشته اند حمایتهای خودشان را از ما دریغ نکرده اند صمیمانه تشکر و قدر دانی میکنم، امیدوارم هرچه زودتر بهبود یابم و دل پدر و مادرم و تمامی کسانی که نگران من هستند را خوشحال کنم و بتوانیم جشن سلامتی را همراه با جشن آزادی پدر عزیزم و نوروز سال جدید را در کنار هم جشن بگیریم، به امید آن روز.

نیما ابراهیم زاده فرزند زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده بیمارستان محک کودکان اسفند ۹۱ بخش انکولوژی یک

نیز توان و نیروی من و مامان را در نبود پدر برای زنده ماندن دو چندان می کند، روزهایی که پدر عزیزم در کنارم بود و هر سال روز جهانی کودک مرا به مراسم روز جهانی کودک و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان میبرد روزهای که به همراه پدر و مامان به کردستان خانه بابا بزرگ میرفتیم و خوش بودیم و از این همه خوش برخوردی مردم و دوستان و آشنایان بسیار خوشحال بودم و آرزو دارم باز هم چنین روزهایی داشته باشم. من که کودکی پر شور و فعال و پرتحرک، اجتماعی و عاشق فعالیت های اجتماعی و انسانی پدر بودم، اما اکنون بیش از یکماه است در بیمارستان محک کودکان در بخش انکولوژی یک طبقه چهارم ساختمان محک مخصوص کودکان سرطانی بستری شده ام مادرم همراه من است، وقتی مرا نگاه می کند چشمانش همیشه پر از اشک می شود و بانام وجود حسرت مر ا می خورد که تنها فرزندش در بستر بیماری است پدر هر روز از جنوبی ترین نقطه تهران ساعت دوازده ظهر به بیمارستان می آید که در کنار من چند ساعتی بماند با اینکه خودش از ناراحتی های آرتروز کردن و درد گوش بشدت رنج میبرد هنوز فرصت پیدا نکرده است که خودش را معالجه کند او به شدت درگیر وضعیت پیش آمده و پیگیر وضعیت درمان و معالجه من است این روزها که به سال نو نزدیک میشویم بیشتر در رنج و ناراحتی بسر میبرم نگرانی از اینکه من در بستر بیماری ام و اینکه نکند پدر را به زندان برگردانند، اینکه وقتی می بینم همه مردم و خانواده ها این روز

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا ...

از صفحه ۱

اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برانث شان را صادر خواهد کرد. او تاکید کرد در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. این دو فعال کارگری با دفاع از فعالیت خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران بر عدم استعفاي خود از این اتحادیه تاکید کردند و اعلام نمودند این اتحادیه يك تشکل کارگری است و کلیه فعالیتهای آن مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی و انسانی کارگران می باشد. در ادامه این دادگاه قاضی با تاکید مجدد بر دادن تعهد از سوی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعلام کرد ما این اتحادیه را ویران خواهیم کرد. این دادگاه حدود ساعت ۱۲ ظهر پنجم اسفند ۱۳۹۱ پایان یافت. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا منتظر صدور حکم این دادگاه میباشند.

بازداشت و زندانی کردن و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری سیاسی است که جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای کل جامعه در پیش گرفته است. جنبش کارگری ایران در هیچ دوره ای به اندازه امروز چهره های محبوب و شناخته شده نداشته است. جمهوری اسلامی ایران می خواهد همین دستاورد را از جنبش کارگری بگیرد و جامعه را از رهبران و سخنگویان لایق خود محروم کند. ما نباید اجازه بدهیم که رژیم اسلامی به این اهداف خود برسد. احضار، بازداشت و دادگاهی کردن شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا و سایر کارگران زندانی باید بدون قید و شرط خاتمه یابد. ما از همه فعالین و سازمانهای کارگری می خواهیم که با تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی خواهان آزادی تشکل و آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بشوند. این دو فعال کارگری سندی فقط به جرم دفاعشان از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان محاکمه شده اند. ما هر نوع احضار، دادگاهی و تحت تعقیب قرار دادن این دو فعال کارگری را محکوم میکنیم.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ فوریه ۲۰۱۳

۶ اسفند ۹۱

توجه توجه
برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید
مجری برنامه: پدی محمودی
این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ شب به وقت ایران و ۸:۳۰ تا ۱۰ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود
مشخصات ماهواره: KURD KANNEL
هات برد ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی
ان ای سی ۵/۶
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
برای مشاهده برنامه پخش مستقیم به زبان کردی و دیگر برنامه های کانال جدید از اینترنت به لینک زیر مراجعه کنید.
<http://www.newchannel.tv/>

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ فوریه ۲۰۱۳
۷ اسفند ۹۱

هشیار نجاری است و از مردم آوبهنگ می خواهد متحد و یک پارچه در مقابل زورگویی نیروهای امنیتی رژیم بایستند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود بشوند.

به دنبال این وقایع گفته اند به دنبال خیاطی میگردند که این پیراهن ها را دوخته است. در ادامه این فشار و فضای پلیسی مردم این روستا بیش از پیش نگران جان و سلامت قانع رضایی و هشیار نجاری هستند.
کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن این فضای پلیسی خواهان آزادی فوری قانع رضایی و

از صفحه ۱ جمهوری اسلامی دو نفر ...

خبری مدتی قبل در يك مراسم عروسی تعدادی از زنان این روستا با گلدوزی ستاره قرمز بر پیراهن خود در این مراسم حاضر شده اند. بعد از چند روز نیروهای امنیتی با ریختن به خانه کسانی که این نوع پیراهن را بر تن داشته اند پیراهن ها را گرفته و آتش زده اند.

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است از يك هفته قبل تا کنون نیروهای امنیتی و مسلح رژیم هر روز به چند خانه در این روستا حمله کرده و کامپیوترها و کتب این خانواده ها را با خود میبرند.
بر اساس گزارش همین منبع

از صفحه ۱ انقلاب سوریه ریشه در ...



بدون شك اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳ آن کشور را موقتا به طرف استعمار مجدد تحت سلطه "نیروهای موقت مؤتلفه" به سرکردگی نئوکانسرواتپوها کشاند.

اما معنای مقاومت در برابر اشغال این بود که این پروژه بدجوری به صورت طرآن پرتاب شد (با شکست روبرو شد. مترجم). دولتی که توسط ارتش آمریکا درست شده بود آن را مجبور کرد که نیروهایش را از عراق بیرون بکشد.

این ایده که سوریه مجددا مستعمره می شود حاکی از آن است که حذف رژیم اسد یک اولویت دراز مدت غرب بوده است. اما هیچ مدرکی دال بر چنین ادعایی وجود ندارند. دولت سوریه تحت حاکمیت رژیم حافظ اسد یکی از وحشی ترین و در عین حال قابل اعتمادترین متصدیان سرمایه داری شد.

بدون شك شروع انقلاب سوریه مخالفین منطقه ای رژیم آن را ترغیب و تشویق کرد که فرصت را غنیمت بشمارند که آن را با چیزی بیشتر متجانس با خود جایگزین کنند.

این بخصوص درباره عربستان سعودی و قطر بیشتر صدق می کند که حاکمان سنی آنها ریشه های رژیم اسد را بعنوان یک فرقه مرتد علوی و هم پیمان با رژیم شیعه ایران نمی پسندند.

به اندازه کافی مدارک دال بر اینکه دولتهای حوزه خلیج سلاهای مورد نیاز بعضی از مخالفین دولت اسد را تأمین می کنند موجود می باشد. و غرب هم پا جلو گذاشته و خواهان برچیده شدن رژیم اسد شده است.

اما بعید به نظر می رسد که ایالات متحده و بریتانیا این موضوع را با فرستادن نیروی نظامی

انفجار بمب مهیب هفته گذشته که جان تعدادی از پادوهای رده بالای اسد را گرفت، محدود نمی شود.

این جنگ همه نشانه های یک خیزش مسلحانه ناگهانی و از خود گذشتگی را در خود دارد. می شود سر این بحث کرد که آیا از لحاظ سیاسی این عاقلانه بود که انقلابیون اینقدر زود دست به اسلحه ببرند. شاید بشود اینجا برای نبود حضور مستقل طبقه کارگر، که در جایی مثل انقلاب مصر این همه مؤثر و مهم بود، تأسف خورد.

اما اینکه همتای سوریه ای آن به این سرعت وارد جنگ داخلی شد این واقعیت را تغییر نمی دهد که ریشه آن در خیزش توده ای است.

یک چیزی که انقلابات عربی آشکار ساخت این است که بخش عمده چپ در منطقه از لحاظ سیاسی مرده است. بهترین شاهد این ادعا عناصر حزب کمونیست مصرند که از احمد شفیق کاندید ارتش در انتخابات اخیر ریاست جمهوری حمایت کردند.

کسانی که در بین چپ غرب که بطور واکنشی و تعمق نکرده به موضع "ضدامپریالیسم" بیافتند و بر علیه انقلاب سوریه موضع می گیرند خیلی ساده به ورشکستگی خود اعتراف می کنند.

<http://www.socialistworker.co.uk/art.php?id=29191>

پسگفتار مترجم:



آلکس کالینیکوس از اعضای رهبری "حزب کارگران سوسیالیست" بریتانیا (SWP) است. این حزب یک حزب تیپیک "ضدامپریالیست" است که زیر بغل هر مترجم اسلامی و ناسیونالیستی که "مخالف" آمریکای غرب و به اصطلاح امپریالیسم باشد را می گیرد. اما آلکس کالینیکوس با وجود اینکه

عضو رهبری آن است، چنین شخصیتی نیست. نه با اسلامی ها میانه خوبی دارد و همچنانکه در این مقاله هم مشخصاً آمده است، از موضع "ضدامپریالیستی" چپهای مثل اس دلیو پی هم دل خوشی ندارد.

آلکس کالینیکوس این مقاله را حدود ۷ ماه پیش در اواخر ماه ژوئیه ۲۰۱۲ نوشته است. در روند اتفاقات سوریه از آن زمان تاکنون تغییر عجیب و غریبی رخ نداده است. اگر با عینک مدیای غربی به این اتفاقات نگاه کنیم، هنوز جنگ بین دو نیروی سیاه در جریان است و هر دو طرف از مردم عادی قربانی می گیرند و زندگی شان را تپاه کرده اند. اما واقعیت این است که این دو نیرو همیشه وجود داشته اند. از همان اولین روزی که مردم به خیابان ریختند و با الهام از انقلابات تونس و مصر و کل اعتراضاتی که منطقه را فرا گرفته بود، دو قطبی که امروز موضوع رسانه های نان به نرخ روز خور هستند نیز در میدان بودند.

درست همانند مصر و تونس در میدان بودند. انگار که از همان روز اول هم دعوا بین طرفداران عربستان و ترکیه از یک طرف و نیروهای بشار اسد از طرف دیگر بوده است. این اما فقط رسانه های مهندسی افکار نیستند که چنین تصویری را به جهان مخابره می کنند بلکه در بین نیروهای چپ و سوسیالیست هم بخش عظیمی همین داستان را قبول کرده و در تحلیلهایشان به کار می بردند! این نگاه را اگر به زبانی ساده بخوایم بیان کنم این است که اتفاقات را و از جمله انقلابات را با نتیجه نهایی آن نام گذاری می کنند. انقلاب سوریه را تا مقطعی که نیروهای سیاه طرفدار عربستان و ترکیه در آن جلوی دوربین های بی سی و سی ان ان نبودند انقلاب بود؛ و اکنون دیگر انقلاب نیست! نیروی سومی که انقلاب سوریه با اعتراضات آنها شروع شد، اکنون جایی در محاسبات همان رسانه ها ندارد و کاملاً غایب است. نیروئی که جلو دوربین های آماتورهای رسانه های اجتماعی در یوتیوب و

فیسبوک می آید و از قساوت های آدمکشان اسد می گوید، اعتراض می کند و حاضر نیست رژیم اسد را بعنوان حکومت مشروع سوریه قبول کند. به ناسیونالیسم عرب کردن می نهد، نه امید و امیالش را به ناسیونالیسم کرد گره زده است و نه چشم به راه وهابی های عربستان است. این نیرو در هیچ کجای محاسبات دو قطب ارتجاع و هم چنین چپهایی که آلکس کالینیکوس به آنها اعتراض دارد، دیده نمی شود. این نیرو، نیروی محرک اصلی انقلاب و همچنان ادامه دهنده این انقلاب بوده است.

واقعیت امر این است که با تفسیر این چپهای مورد اعتراض کالینیکوس، هیچ کدام از انقلابات مهم اجتماعی ثبت شده در تاریخ را نباید انقلاب نامید. مگر انقلاب کبیر فرانسه به قدرت گیری ناپلئون - ارتجاعی دیگر در برابر انقلاب توده های گرسنه - و برقراری امپراطوری وی و در نهایت بازگشت خانواده بوربون منجر نشد! مگر انقلابات ۱۸۴۸ اروپا توانست حتی برای نمونه یکی از حاکمان آن قاره را، که تقریباً تماماً در انقلاب بود سرنگون کند؟ مگر انقلاب عظیم ۱۹۰۵ روسیه بندهای استبداد تزار را شل کرد؟ مگر انقلاب سوسیالیستی روسیه به قدرت گیری استالین و ناسیونالیسم روسی منتهی نشد. مگر حاصل انقلاب ایران ارتجاع سیاه تر از سیاهی جمهوری اسلامی نبود؟ مگر در مصر و تونس اسلامی ها قدرت نگرفتند؟! بالاخره برای همه این انقلابات، اگر با معیار برخورد امروز بعضی از فعالین سوسیالیست بسنجیم، بهانه ای پیدا می شود که تخطئه بشوند. من در این باره در مقالات متعددی اظهار نظر کرده ام که خوانندگان علاقمند را به دو نوشته "انقلاب، تشکل توده ای و تحزب کمونیستی" و "باز هم درباره انقلاب" رجوع می دهم.

۲۲ فوریه ۲۰۱۳

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**



فصل چهارم
کارگران فصلی و
جشن اول ماه مه

جشن کارگران فصلی در روز کارگر

"هر ساله روز کارگر در میان کارگران فصلی نیز در اوج شادمانی برگزار میشود. ما در سال ۱۳۶۵ قبل از اول ماه مه ترکیبی از کارگران افغانی و ایرانی از جمله کارگرانی از آذربایجان و کردستان آمده بودند. برای برگزاری اول ماه مه خود را آماده ساختیم. ما بدور هم جمع شدیم. ضمن صحبت از شرایط کار، توانستیم مناسباتی دوستانه برقرار سازیم. این پیوند دوستانه پیش شرط گردهمایی برای برگزاری مراسم اول ماه مه بود. و طبق قراری که گذاشته بودیم در این روز دور هم جمع شدیم و ضمن بحث و گفتگو و پخش شیرینی جشن را برگزار کردیم. ضمن برگزاری مراسم و جشن، بحث هایی در زمینه استعمار کارگران و ظلم و ستمی که بر آنها میبرد در گرفت. و مورد استقبال قرار گرفت. کارگران افغانی نیز بحث هایی در زمینه بیکاری و مشکلات کارگران در افغانستان ارائه نمودند. این گردهمایی و اجتماع همه را بیشتر متوجه مسایل و مشکلات کارگری مشترکمان کرد. و واقعا دریافتیم که میتوانیم با همبستگی از حقوقمان در برابر کارفرمایان و صاحبان کارخانه ها دفاع کنیم". از نشریه پیام شماره ۲ اردیبهشت ۶۶، از خاطرات حسین کارگر فصلی.

خوی، مراسم کارگران کوره بز خانه ها

"یک روز قبل از اول ماه مه کارگران کوره بزخانه های خوی برای جشن گرفتن این روز خود را آماده

جنبش اول ماه مه در کردستان تهیه و گرد آورنده نسان نودینیان / بخش دوازدهم

زایوه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در فروردین سال ۱۳۶۵ با اتحادیه خیاطان در مورد تشکیل تشکل کارگری مشورت میشود با اتحادیه خیاطان تماس گرفته میشود. و آنها تجارب خودشان را در اختیار میگذارند. اولین کمک آنها مساله جایی بود برای جمع شدن کارگران کارگاههای کوچک، سپس چند نفر از کارگران (که بعدا اتحادیه صنعتگر را ایجاد کردند) به اداره کار مراجعه میکنند و با کارمند اداره کار به اسم "هدایتی" معاون "اقلامی" رئیس اداره کار سندیج صحبت کردند. "هدایتی" هیچ کاری برای کارگران انجام نداد و فقط برای آنها برای ملاقات با "اقلامی" وقت تعیین کرد. یک هفته بعد، "اقلامی" رئیس اداره کار به رفقای کارگر گفته بود که باید حداقل لیست ۵۰ کارگر بیمه شده داشته باشند تا مجوز دادن تشکل کارگری از طرف دولت داده شود. و در ضمن گفته بود تشکلی که ایجاد میشود زیر نظر اداره کار است و اداره کار دخالت مستقیم باید داشته باشد. کارگران در مقابل "اقلامی" رئیس اداره کار گفته بودند که ما جمعی کارگر هستیم و نمیخواهیم زیر نظر اداره کار و گروه های سیاسی باشیم. ما میخواهیم تشکل مستقل خود را داشته باشیم. بعد از شنیدن این اظهارات اداره کار مرتبا در کار پیشرفت ایجاد تشکل کارگری کارشکنی میکرد و کارگران ماهی دو سه بار مراجعه میکردند. وقتی در مقابل کارشکنیهای اداره کار نا امید شدند، این بار از طریق اداره بیمه وارد شدند و لیست ۵۰ کارگر بیمه شده را به آنها دادند. اداره بیمه با ایجاد تشکل کارگری موافقت کرد و گفت در جایی میتوانید محلی به اسم "دفتر کارگری" که بعدها به اسم "اتحادیه صنعتگر" شناخته میشود، ایجاد کنید. این بار در محل اتحادیه خیاطان دفتری باز کردند. و در مدت کوتاهی ۲۵۰ کارگر به عضویت درآمدند. کارگران مکانیک، کارگران نقاش، کارگران شفاژ کار، کارگران تراشکار و کارگران نجار در اتحادیه صنعتگر جمع شدند. کار اتحادیه روپراه شد، از بدو کار هیئتی برای رسیدگی به حل اختلافات بین کارگر

و کارفرما در اتحادیه انتخاب شد. بعضی از کارگران که عضو اتحادیه هم بودند هنوز بعد از ۶ تا ۷ سال بیمه نبودند. به وضع این کارگران این هیئت میبایست رسیدگی میکرد. و هیئتی برای رسیدگی به وضع کودکان که سن و سال آنها ۶ سال و ۷ سال بود، تشکیل شد. این اقدامات کارفرماهای کارگای های کوچک را برآشفته کرد و به اداره کار میرفتند و شکایت میکردند که این اتحادیه صنعتگر کارگران را علیه ما تحریک میکنند. در اتحادیه یک چیز معلوم بود و اینکه کارگران نمیخواستند دیگر مثل سابق بدون بیمه باشند. اتحادیه لیست کارگرانی که بیمه نبودند به بیمه میبرد و اداره بیمه از بیمه نبودن این کارگران خبر نداشتند. کارفرماها هنگام مراجعه اداره بیمه برای بیمه کردن کارگران به کارگاهها مراجعه میکرد کارفرماها کارگران بیمه نشده را قائم میکردند و با گردهمایی مختلف مسئولین اداره بیمه را رد میکردند. سوادآموزی هم یکی دیگر از فعالیتهای اتحادیه بود. این یک تشکل شورائی بود، هر چند اسم آن اتحادیه بود. و در مجمع عمومی اتحادیه تمام تصمیمات گرفته میشد. مجموعه ای این اقدامات و فعالیتهایی که اتحادیه انجام داد زمینه را برای تدارک سازمانیافته اول مه در سال ۱۳۶۵ هم فراهم نمود.

اتحادیه صنعتگر تا سال ۶۷ به فعالیت خود ادامه داد. در این مدت اقدامات معینی را به نفع کارگران به سرانجام رساند. بیمه کردن کارگران، رسیدن به وضعیت کارگاههای کوچک، ایجاد شرکت تعاونی و پیگیری سوادآموزی کارگران از مهمترین این اقدامات بودند. اتحادیه کمیته های مختلفی در امور ورزش و بهداشت و سوادآموزی وجود آورد. اتحادیه صنعتگر تا سال ۶۷ به فعالیت خود ادامه داد. در این مدت اقدامات معیبهی را به نفع کارگران به سرانجام رساند. بیمه کردن کارگران، رسیدن به وضع کارگاههای کوچک، ایجاد شرکتکنش تعاونی و پیگیری سوادآموزی کارگران از مهمترین این اقدامات بودند. اتحادیه کمیته های مختلفی در امور ورزش و بهداشت و سوادآموزی وجود آورد. اتحادیه صنعتگر و دفتر آنها در

عین حال محملی بود که کارگران و رهبران آنها بدور هم جمع میشدند، تدارک مراسم های اول ماه مه از سال ۶۵ تا ۶۷ اساسا از این کانال میگذشت. اتحادیه صنعتگر با دو مشکل روبرو بود، اول از توجه کردن به طرح بعضی مطالبات کارگری که امکان طرح و تحقق آنها موجود بود غافل ماند و همین باعث شد نتواند قدرت بسیج وسیعتری داشته و نیروی بیشتری را حول اهداف و مطالبات خود بسیج کند. دوما و اساسی تر، از همان روز اول با فشار کارفرمایان، اداره کار و رژیم روبرو بود. نزدیک به سه سال فعالیت اتحادیه، دست و پنجه نرم کردن با این فشارها هم بود. بدنبال ماه مه ۱۳۶۷ و شروع موج دستگیری، تعدادی از دست اندرکاران و فعالین اتحادیه صنعتگر هم دستگیر شدند و این ضربه نهایی را در جهت پایان دادن به عمر این تشکل نوپا وارد کرد. از نیمه دوم سال ۱۳۶۷ اتحادیه صنعتگر نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد."

همزمان با دوران فعالیت اتحادیه صنعتگر لازم است به عرصه دیگری از سازمانیابی کارگران در سندیج اشاره شود. در همین دوران صندوقهای مالی کارگران که به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی فعالیت میکردند در میان کارگران و خانواده های بعضی از محلات کارگری وجود آمد. این صندوقها امکانی بودند که کارگران به یاری آنها هم شرایط سخت معیشتی شان را تخفیف دهند و در عین حال ابزاری بود که تا حدودی نیاز آنها را به متحد و متشکل بودن جواب دهد. تعدادی از این صندوقهای کارگری یکسال بعد از اتحادیه صنعتگر هم فعالیت خود را ادامه دادند. اتفاقا در غیاب اتحادیه صنعتگر مراسم ماه مه سال ۶۸ توسط تعدادی از فعالین این صندوقها سازماندهی شد. با ادامه دستگیری رژیم در سال ۶۸ تعدادی از فعالین این صندوقها و از جمله رفیق جانباخته جمال چراغ ویسی دستگیر شدند و ادامه کاری آنها هم قطع شد. صندوقهای کارگری نیز خود انعکاسی از سیر سازمانیابی کارگران در آن سالها بود.

ادامه دارد



آزادی محمد مولانایی از فعالین کارگری با قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومانی

بنا به خبری که در سایت کمیته هماهنگی منتشر شده است محمد مولانایی از اعضای کمیته هماهنگی در مه‌باد روز دوشنبه ۷ اسفند ماه، آزاد شد. در پی برگزاری دادگاه سه عضو کمیته هماهنگی در تاریخ ۱۲/۱۲/۱۳۹۱، این فعال کارگری با قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومان آزاد شد.

همچنین شعبه ۲ دادگاه مه‌باد برای یوسف آب خرابات قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومانی و برای واحد سیده قرار وثیقه ۴۰ میلیون تومانی صادر کرده است و به خانواده‌ها گفته شده که در صورت انجام کارهای اداری ۲ نفر دیگر نیز روز سه‌شنبه ۸ اسفند آزاد خواهند شد.*

نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم! گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردری آنها تماما حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی‌انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوییم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی‌چون و چرای تک تک ماست. این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

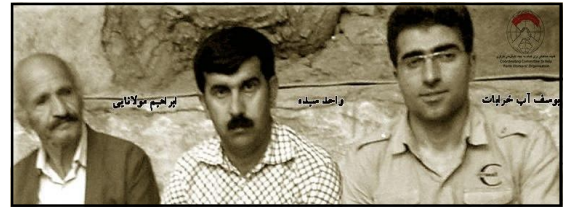
E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

سه فعال کارگری در مه‌باد محاکمه شدند

اتحادیه استعفا بدهند تا آزاد شوند. اما پاسخ آن دو فعال کارگری روشن بود. اینجا در مه‌باد هم میبینیم که این اتفاق تکرار شده است و کارگران همان پاسخ را داده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن بازداشت و محاکمه محمد مولایی، یوسف آب خرابات و واحد سیده، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ فوریه ۲۰۱۳
۷ اسفند ۹۱



قاضی دادگاه جمهوری اسلامی در مه‌باد از این سه فعال کارگری خواسته است که از عضویت خویش در کمیته هماهنگی استعفا بدهند اما کارگران بازداشتی از عضویت خود در این کمیته دفاع کرده اند. عین این سناریو در جریان محاکمه دو عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد (شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا) در سندج هم اتفاق افتاد. آنجا هم قاضی پرونده از این دو فعال کارگری خواسته بود که از

بر اساس اطلاعیه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، روز یکشنبه ۶ اسفند ۹۱ محمد مولایی، یوسف آب خرابات و واحد سیده از اعضای بازداشتی این کمیته در شعبه ۲ دادگاه مه‌باد محاکمه شدند. اتهام وارده به این فعالین کارگری، شرکت در مجامع عمومی کمیته هماهنگی در سندج، کرج و همچنین حضور در اول ماه مه سال گذشته اعلام شده است.

قاضی دادگاه: این اتحادیه را ویران خواهیم کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند

هستند و هیچیک از آنها نیز به دلیل نبودن ساز و کار ثبت قانونی به ثبت نرسیده اند اما در این میان تلاش گسترده ای برای توقف فعالیتهای اتحادیه آزاد کارگران ایران از طریق تهدید و اعمال فشار بر اعضای هیئت مدیره آن آغاز شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن تداوم آزار و اذیت و افزایش اعمال فشار بر اعضای هیئت مدیره خود اعلام میدارد این اتحادیه يك اتحادیه مستقل و بدون وابستگی به نهادهای قدرت است که با اتکا به اراده صدها کارگر از کارخانه های مختلف سراسر کشور ایجاد شده است لذا ما هیچگاه تسلیم فشارهای امنیتی برای توقف فعالیتهایمان نخواهیم شد و در دفاع از زندگی و بقا خود بمشابه يك حق پایه ای و نهادینه شده انسانی طبقه کارگر از کسی اجازه نخواهیم گرفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۵ اسفند ماه ۱۳۹۱



اتحادیه را ویران خواهیم کرد. این دادگاه حدود ساعت ۱۲ ظهر پایان گرفت و شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا منتظر صدور حکم این دادگاه خواهند بود.

اعمال فشار بر شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه يك دادگاه انقلاب سندج برای استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی انجام میشود که روز ۲۵ بهمن ماه جعفر عظیم زاده و پروین محمدی دو نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شدند و پس از ساعتها بازجویی در این دفتر، ملزم به توقف فعالیتهای خود در این اتحادیه شدند اما این کارگران نیز ضمن دفاع از فعالیتهای تاکنونی اتحادیه بر تداوم فعالیتهای شان در اتحادیه آزاد کارگران ایران تاکید کردند.

فشارهای مامورین امنیتی بر اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی طی هفته های گذشته برای توقف فعالیتهای این اتحادیه افزایش پیدا کرده است که دهها اتحادیه از بالا و توسط خانه کارگر هر روزه در حال ایجاد

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح امروز در شعبه يك دادگاه انقلاب برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند. در این جلسه محاکمه که وکیل این کارگران آقای محمد قوامی نیز حضور داشت قاضی دادگاه با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را ملزم به استعفا از اتحادیه بنماید و به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برائت شان را صادر خواهد کرد و در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. اما شریف و مظفر با دفاع از فعالیت خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران بر عدم استعفای خود از این اتحادیه تاکید کردند و اعلام نمودند این اتحادیه يك اتحادیه کارگری است و کلیه فعالیتهای آن مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی و انسانی کارگران می باشد. در ادامه این دادگاه قاضی با تاکید مجدد بر دادن تعهد از سوی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعلام کرد ما این

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!